

دلیل مشترک افزایش تجاوز جنسی به زنان در ۳۷ کشور

براساس پژوهش سازمان «Equality now» قوانین اجرایی ۳۷ کشور جهان به اندازه کافی بازدارنده نیست تا از اعمال زور و تجاوز جنسی مردان به زنان جلوگیری کند و همین مشکل عامل اصلی افزایش تجاوز در این کشورها محسوب می‌شود.

سازمان «Equality now» در پژوهشی که به مناسبت روز بین‌المللی زنان منتشر کرده آورده است که در تاجیکستان اگر متجاوز به عنف با قربانی خویش ازدواج کند، احتیاجی به جوابگویی در مقابل قانون نیست.

حداقل نظام حقوقی ۹ کشور از جمله بحرین، عراق، فیلیپین، تاجیکستان، لبنان و تونس این امکان را به متجاوز می‌دهد تا در صورت ازدواج با قربانی، از جوابگویی در مقابل قانون فرار کند.

به گزارش رادیو صدای آزادی تاجیکستان، همچنین سازمان فوق‌الذکر نگرانی کرده که در برخی کشورها به جز وجود چنین مشکلاتی، خشونت و بد رفتاری‌های جنسی از سوی شوهر نیز قابل قبول دانسته می‌شود که این مشکل نیز عاملی در جهت گسترش خشونت و بد رفتاری جنسی مردان نسبت به زنان است.

به گفته مدیر اجرایی سازمان Equality now حکومت‌های کشورها باید قانون‌های تاثیرگذار و بازدارنده‌ای را تدوین، تهیه و عملی کنند که سیاست آن در گام نخست جلوگیری از خشونت و بد رفتاری جنسی باشد و اگر این حادثه رخ داد باید امکاناتی وجود داشته باشد تا قربانی به آسانی به آن دسترسی داشته باشد و بتواند از طریق آن احقاق حق کند.

پژوهش فوق‌الذکر شده است که براساس آمارهای سازمان ملل متحد هم‌اکنون یک سوم از زنان و دختران جهان در یک ماه یک بار هدف تجاوز، خشونت و بد رفتاری جنسی قرار می‌گیرند.

منبع: [تسنیم](#)

بیش از 275 میلیون کودک در جهان، در معرض خشونت خانگی

خانه امن: بر اساس نتایج اولین گزارشی که یونیسف با مشارکت شرکت بین‌المللی بادی شاپ برای اولین بار در جهان انجام داد، بیش از 275 میلیون کودک در جهان، در معرض خشونت خانگی قرار دارند.

کودکان به چه نیاز دارند؟ جواب این سؤال را با توجه به دوران بچگی خودمان می‌دانیم. اولین و اصلی‌ترین پاسخ به این سؤال زندگی در خانه ای امن و آرام است. خانه ای که در آن خشونت وجود نداشته باشد و والدین به فرزند عشق بورزند و از او نگهداری کنند.

فرزندان باید در خانه احساس آرامش و راحتی کنند تا اگر در محیط خارج از خانه با مشکلاتی مواجه شدند، بتوانند به خانه، جایی که کودک می‌تواند حمایت، آرامش و کمک والدین را کسب کند، پناه آورند.

متأسفانه برای بسیاری از کودکان خانه مفهومی کاملاً متفاوت دارد. سالانه صدها میلیون کودک در معرض خشونت‌های خانگی هستند و این امر اثر بسیار شدیدی بر روی زندگی و امید و آرزوهای آنان گذاشته است. این کودکان نه تنها می‌بینند که یکی از والدینشان به دیگری خشونت می‌کند، بلکه اغلب شنونده مشاجرات و بگو مگوهای اضطراب‌آورشان نیز هستند. کودکان این مسائل و مشکلات را به خوبی متوجه می‌شوند و از آن آگاه هستند.

دختر 9 ساله انگلیسی که در خانه ای زندگی می‌کند که در آن خشونت وجود دارد می‌گوید: "من و خواهرم می‌ترسیم. پدر و مادر ما مرتب با هم دعوا می‌کنند و ما نگرانیم که از هم جدا شوند. آنها زمانی که ما طبقه بالا منزلمان هستیم با هم دعوا می‌کنند. آنها فکر می‌کنند."

کنند که ما صدایشان را نمی شنویم اما اینطور نیست. ما می فهمیم."

خشونت های خانگی یکی از فراگیرترین و بزرگترین مشکلات امروزه حقوق بشر است. این مشکل به جز در تعداد معدودی از کشورها در باقی کشورها، در پشت پرده صورت می گیرد. خشونت خانگی حد و مرز جغرافیایی، نژادی و غیره ندارد و یک پدیده جهانی است.

بعضی از قربانیان خشونت خانگی کوچکترها هستند

بسیاری از اثرات فاجعه انگیز خشونت خانگی بر روی زنان ثبت شده است، حال آنکه در مورد اثرات آن بر روی کودکان که شاهد خشونت یکی از والدین نسبت به دیگری هستند مطالعات کافی صورت نگرفته است.

این کودکان - قربانیان فراموش شده خشونت خانگی - موضوع اصلی این گزارش هستند. مطالعات نشان می دهد که کودکانی که در معرض خشونت های خانگی هستند، ممکن است از اثرات شدید و جبران ناپذیری رنج ببرند. کودکانی که در چنین محیط هایی زندگی می کنند بیشتر احتمال می رود که در دوران بچگی مورد تجاوز قرار گیرند. آنهایی هم که مستقیماً قربانی خشونت های خانگی نیستند، با این حال همچنان مشکلات مشابهی در مقایسه با کودکانی که مورد تجاوزات فیزیکی قرار گرفته اند دارند. کودکانی که در معرض خشونت های خانگی هستند ممکن است که مشکل یادگیری و یا مهارت های اجتماعی محدودی داشته باشند، رفتارهای خشونت آمیز از خود نشان دهند و یا از افسردگی و اضطراب شدید رنج ببرند.

کودکان در سالهای اولیه زندگی خود نسبت به این شرایط آسیب پذیری بیشتری دارند. تحقیقات نشان می دهند که خشونت خانگی در خانه هایی بیشتر دیده می شود که کودکان کوچکتری دارند. تعدادی از تحقیقات همچنین نشان می دهند که کسانی که شاهد خشونت های خانگی هستند بیشتر احتمال می رود که در سنین بالاتر نیز تحت تأثیر خشونت خانگی قرار گیرند - چه به عنوان قربانی و چه به عنوان متجاوز.

کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند از حق مسلم خود که داشتن خانه ای امن و آرام است محرومند. بسیاری از این کودکان به والدین قابل اطمینان و خدماتی احتیاج دارند که هنگام نیاز به آنان پناه ببرند. برای حمایت از کودکان و جلوگیری از وقوع خشونت خانگی در وهله اول باید تلاشهای بیشتری صورت گیرد.

خشونت خانگی

خشونت خانگی یک الگوی رفتاری سرکوب گرانه است که بزرگترها بر ضد شرکای زندگی شان از آن استفاده می کنند. این رفتارها شامل حملات فیزیکی، جنسی، روحی - روانی، و همچنین اعمال فشارهای اقتصادی است. از جمله خشونت های فیزیکی می توان از سیلی زدن، تکان دادن، مشت زدن، ضربه زدن با یک وسیله، فشردن گردن تا حد خفگی، سوزاندن، لگد زدن و تهدید با چاقو و تجاوزات جنسی شامل سکس اجباری و یا تهدید به آن و اجبار به یک سری حرکت های سکسی که شریک مایل به انجام آن نیست نام برد.

مشکلات ناگفته ای که هیچ راه حل ساده ای ندارند

خشونت خانگی مشکلی بزرگ و جهانی است. با اینکه گاهی مردها قربانی آن هستند، ولی اکثر قربانان به اتفاق خشونت ها بر علیه زنان است. تقریباً "از هر سه زن یک زن مورد ضرب و شتم قرار می گیرد که بیشتر بخاطر سکس اجباری است. اغلب این خشونت ها توسط همسران صورت می گیرد ولی بعضی مواقع افراد دیگر خانواده نیز رفتارهای خشونت آمیز از خود نشان می دهند. از هر 4 زن باردار یک زن در دوران بارداری مورد آزار قرار می گیرد."

خشونت خانگی در هر جایی ممکن است اتفاق بیفتد و عوامل مشخصی در افزایش آن مؤثرند. از جمله این عوامل می توان سن مادر را مثال زد که هر چه جوانتر باشند بیشتر احتمال می رود که قربانی خشونت واقع شود، فقر، بیکاری، استفاده از مواد مخدر و الکل را نام برد. تحقیقی در کانادا نشان می دهد زن هایی که با الکل ها زندگی می کنند در معرض خطر بیشتری قرار دارند.

شناخت عمق فاجعه

طی تحقیقات سال 2006 سازمان جهانی حقوق بشر در مورد کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند و همچنین با توجه به تحقیقات کشورهای دیگر در این خصوص مشخص شده است که محدودیت های فراوانی جهت فعالیت های گوناگون و جمع آوری اطلاعات موثق از کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند وجود دارد. بعضی کشورها کلاً اطلاعاتی در این زمینه ندارند. اغلب اطلاعات بدست آمده خود حاکی از آنند که بیشتر خشونت ها توسط والدین و یا اعضای دیگر خانواده صورت می گیرد.

با وجود این محدودیت ها، این تحقیق اولین و اساسی ترین قدمی است برای درک و فهم واضح تری از تعداد کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند. آمار تقریبی بدست آمده از این تحقیقات، تعداد دویست و هفتاد و پنج میلیون کودک است که در معرض خشونت

خانگی قرار دارند.

همکاری و مشارکت یونیسیف و شرکت بین المللی بادی شاپ (Body Shop International) در تهیه این گزارش

با کمپین "جلوگیری از خشونت خانگی"، شرکت بادی شاپ به همراه شرکای دولتی و سازمان های خیریه دور دنیا، توانسته است میلیونها نفر را بر علیه خشونت خانگی متحد، یک صدا و به حرکت در آورد. این کمپین در سال 2005 در 35 کشور آمریکا، آسیا، اروپا، آفریقا، استرالیا و خاورمیانه صورت گرفته است.

این کمپین در سال 2006 فعالیت های خود را معطوف به کودکان، قربانیان فراموش شده خشونت خانگی کرد. این کمپین با افزایش کمک های مالی و آگاهی قصد دارد که از تمامی قربانیان خشونت خانگی و به خصوص کودکان حفاظت کند.

اطلاعات کافی در رابطه با وسعت این مشکل وجود ندارد

قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی در دوران رشد تجربه ای ویرانگر برای بسیاری از کودکان در سرتاسر جهان حکایت دارد. اما متأسفانه هنوز به اندازه کافی در مورد آن نمی دانیم. حتی پاسخ به سوالات پیش پا افتاده در رابطه با این موضوع بسیار مشکل است. سؤالاتی چون:

1- تاثیر خشونت علیه کودکان چیست؟

2- چند کودک در سرتاسر جهان تحت خشونت خانگی هستند؟

3- برای ایجاد تغییر و مبارزه با آن چه باید کرد؟

در تلاشی جهت کسب اطلاعات بیشتر در مورد تأثیر خشونت خانگی بر علیه کودکان، مشارکتی بین شرکت بین المللی بادی شاپ، یونیسیف و دبیر کل سازمان ملل صورت گرفته است.

این اولین گزارش جهانی است که تأثیر خشونت خانگی را بر کودکان در یک جا جمع آوری کرده است و در نهایت با لیست یک سری از فعالیت های کلیدی که باید جهت حفاظت از کودکان خشونت دیده صورت گیرد، خاتمه می یابد.

این مشارکت باعث می شود مسأله ای که مدت ها پشت پرده بوده است و احتیاج به رسیدگی دارد بر ملا و نیروی محرکی شود برای کمپین جلوگیری از خشونت خانگی و فعالیت های یونیسیف برای حفاظت از کودکان در برابر انواع خشونت ها.

یافته های اصلی

کودکانی که در خانه هایی زندگی می کنند که در آن خشونت وجود دارد و یا به گونه ای متوجه این نوع خشونت ها هستند با مشکلات و خطراتی مواجه می شوند که ممکن است کل زندگیشان را تحت تأثیر قرار دهد.

این کودکان نسبت به کودکان دیگر بیشتر در معرض این خطر هستند که خود نیز روزی قربانی خشونت شوند.

رابطه مستقیمی بین خشونت خانگی و تجاوز به کودکان وجود دارد. آمار نشان می دهد که 40% از کودکان خشونت دیده در سنین بالاتر از قربانیان خشونت های خانگی هستند. تحقیقی در آمریکای شمالی نشان می دهد که کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند 15 برابر بیشتر از میانگین ملی احتمال می رود که مورد تجاوز جنسی و یا فیزیکی قرار گیرند. این ارتباط در سرتاسر دنیا با تحقیقات وسیع کشورها از جمله آفریقای جنوبی، کلمبیا، هند، مصر، فیلیپین، مکزیک و چین به اثبات رسیده است.

این موضوع خطر بزرگی است که جلوی رشد اجتماعی، فیزیکی و احساسی کودک را می گیرد. استرس های عاطفی و احساسی وارده به نوزادان و کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند می تواند بر ذهن و روح و روان آنها اثرات منفی بسیاری بگذارد و تغییرات رفتاری از جمله زود رنجی، مشکل خوابیدن، اضطراب، ترس از تنهایی، رفتارهای نا درست، مشکل دستشویی رفتن و به زبان آمدن را به بار آورد. در همان دوران کودکی است که ذهن اشخاص برای فعالیت های فیزیکی و احساسی آینده شکل می گیرد و در واقع رشد کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند مورد تهدید قرار می گیرد.

کودکانی که در چنین محیط هایی بزرگ می شوند به تدریج نشانه هایی را از تأثیر منفی آن محیط ها از خود بروز می دهند. این کودکان در دوران ابتدایی در انجام تکالیف مدرسه خود با مشکل مواجه می شوند و نمی توانند تمرکز کنند. در یک تحقیق نشان داده شده است که 40 درصد از این کودکان نسبت به کودکانی که در چنین محیط هایی زندگی نمی کنند توانایی کمتری در خواندن دارند. توانایی شان از کودکان دیگر در تحصیل کمتر است. مشکلات شخصیتی و رفتاری در میان کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند موجب

امراض روانی فراوانی از جمله افسردگی، تمایل به خودکشی، و شب‌اداری و غیره می‌شود. این کودکان در سنین بالاتر نیز تحت خطراتی چون اعتیاد به مواد مخدر، بارداری ناخواسته و بروز رفتارهای جنایی هستند.

بعضی از تحقیقات همچنین به این موضوع اشاره می‌کنند که رشد اجتماعی این کودکان نیز خدشه دار می‌شود. برای مثال حس هم‌دردی و هم‌فکری در برخی از این کودکان از بین می‌رود و یا برخی دیگر به دلیل اینکه در جمع احساس ناراحتی می‌کنند و یا نمی‌توانند رفتار درست را از نا درست تشخیص دهند قادر به پیدا کردن دوست نیستند و منزوی می‌شوند.

تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند که کودکانی که در معرض خشونت‌های خانگی قرار می‌گیرند سه برابر بیشتر از کودکان دیگر رفتارهای خشونت‌آمیزی چون قلدری و گردن‌کلفتی در میان بچه‌های دیگر از خود نشان می‌دهند و وارد دعوا می‌شوند. یک تحقیق استرالیایی نشان می‌دهد که 40% از نوجوانانی که از خشونت مزمن رنج می‌برند کسانی بوده‌اند که، در معرض خشونت‌های خانگی شدیدی در دوران کودکی خود قرار داشته‌اند. بسیار احتمال می‌رود که این چرخه خشونت در نسل‌های آینده نیز ادامه پیدا کند. یکی از بهترین راه‌هایی که می‌توان پیش‌بینی کرد که آیا کودکی ممکن است قربانی خشونت شود و یا مرتکب به آن، این است که آیا او در خانه ای که در آن خشونت حکم فرما بوده است بزرگ شده است یا خیر. تحقیقات کشورهای مختلف نشان می‌دهند که آمار تجاوز به زنانی که شوهرانشان در سنین کودکی خشونت علیه مادرانشان را دیده‌اند بالاتر است. کودکانی که در چنین خانه‌هایی بزرگ می‌شوند خیلی سریع ترغیب و یاد می‌گیرند که از خشونت به عنوان وسیله‌ای برای کنترل و در دست گرفتن رابطه استفاده کنند.

اما همچنان این مسائل تأکیدی بر این ندارد که هر کس که در کودکی در معرض خشونت خانگی بوده است در آینده به یک قربانی و یا فرد تجاوزگری تبدیل می‌شود، بلکه افراد بسیاری نیز وجود دارند که با اینکه در چنین محیط‌هایی بزرگ شده‌اند اما همیشه مخالف اینگونه رفتارها بوده‌اند. دلایل بسیاری وجود دارد که همه حاکی این مطلب هستند که کودکان می‌فهمند که خشونت خانگی رفتاری ناپسندانه است و فعالانه می‌خواهند که جلوی آن را بگیرند. بسیاری از کودکانی که در حین وقوع خشونت‌های خانگی حضور دارند سعی می‌کنند که، به فرد مورد خشونت کمک کنند.

تحقیقی نشان داد که در 15% از چنین مواردی که کودکان حضور داشته‌اند پیوسته تلاش کرده‌اند که جلوی خشونت را بگیرند، 6% از کودکان سعی کرده‌اند که از همسایه‌ها کمک بگیرند و 10% نیز فعالانه سعی کرده‌اند که خشونت را متوقف و از قربانی محافظت کنند.

چیزی که کودکان به آن نیاز دارند

کودکان میتوانند در برابر اثرات خشونت خانگی و درمان پس از آن بهتر حفاظت و حمایت شوند.

کودکان به خانه امن و قابل اطمینانی نیاز دارند. هر کودک حق این را دارد که در خانه ای امن و به دور از آزار و اذیت زندگی کند، جایی که بتواند حتی برای کسانی که دوستشان دارد نیز احساس امنیت کند. خشونت خانگی باعث می‌شود که کودک از حق اولیه خود که احساس امنیت در این دنیاست محروم شود. کودکان می‌خواهند که خشونت متوقف شود.

کودکان می‌خواهند بدانند که بزرگترها هستند که به آنها گوش می‌دهند، باورش‌شان دارند و به آنها پناه می‌دهند.

بزرگترهایی که با بچه‌ها سر و کار دارند مانند معلمان، فعالان اجتماعی، اقوام و والدین باید آگاهی و مهارت‌های لازم را برای کمک به کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند داشته باشند، تا بتوانند آنها را به خدمات مناسب ارجاع دهند. روابط صمیمی و وابستگی‌های نزدیک کودکان به افرادی غیر از والدین نیز می‌تواند از استرس آنها بخاطر زندگی در چنین محیط‌هایی بکاهد. در حقیقت کودکانی که با چنین افرادی در ارتباط هستند بهتر از کودکان دیگری که در معرض خشونت هستند می‌توانند با این شرایط کنار بیایند.

کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند باید بدانند که تنها نیستند و خشونت گناه و تقصیر آنها نیست.

کودکان نیاز به یک حس عادی، روزمره و طبیعی دارند. خشونت خانگی می‌تواند زندگی این کودکان را دگرگون کند. کارهای روزمره‌ای چون رفتن به مدرسه و یا شرکت در برنامه‌های فوق‌آموزشی می‌تواند به کودکان کمک کند که رشد سالم و طبیعی داشته باشند.

کودکان برای رسیدن به نیازهایشان به حمایت احتیاج دارند. رسیدگی به کودکانی که در معرض خشونت خانگی بوده‌اند باید بسیار جامع باشد به گونه‌ای که میزان تأثیرات و نیازهای مختلف تمامی کودکان را در نظر بگیرد. کودکان باید مکان و یا پناهی امن داشته باشند و فرقی نمی‌کند که این پناه اقوام دور آنها و یا پناهگاه‌های کودکان خشونت دیده باشد. تحقیقات همچنین اشاره بر این مطلب دارند که کمک به مادران خشونت دیده می‌تواند به نفع کودکان نیز باشد به خصوص زمانی که در ارائه این خدمات نیازهای کودکان نیز در نظر گرفته می‌شود.

کودکان باید یاد بگیرند که خشونت خانگی رفتار درستی نیست و روش‌های دیگری نیز برای حل مشکلات وجود دارند که عاری از

خشونت اند. آنها باید الگوهای متفاوتی ببینند تا با دید مثبتی نسبت به آینده بزرگ شوند. تعدادی از کشورها برنامه هایی تهیه کرده اند که به جوانان می آموزد که چگونه از خشونت در روابط شخصی شان اجتناب کنند. مدارس، مکان های اصلی و کلیدی برای انجام این استراتژی ها هستند. برنامه هایی که در مدارس ارائه می شوند می توانند با رشد و توسعه طرز تفکر و ارزش های مثبت در میان کودکان و آموزش مهارت هایی برای اجتناب از رفتارهای خشونت آمیز، احتمال بروز چنین رفتارهایی را کاهش دهند. برنامه های موفق دیگر بر روی حل مشکلات، نقش همکاری و الگوهای مثبت تأکید می کنند.

کودکان از بزرگترها می خواهند که سکوتشان را بشکنند. کودکانی که در چنین خانه هایی زندگی می کنند باید بدانند که اوضاع می تواند عوض شود و به خشونت خانگی پایان داده شود.

آنها به امید به آینده نیاز دارند. کمپین های ضد خشونت خانگی که در راستای افزایش آگاهی عمومی نسبت به این موضوع فعالیت می کنند باید هدف اصلی خود را بر اثرات خشونت خانگی بر روی کودکان و کشف راهکارهایی برای مبارزه با این مشکل پنهان متمرکز کنند. دولت ها و موسسات عمومی نیز باید این موضوع را مطرح و از حامیان مبارزه با آن باشند.

حرکت به جلو: کاری که سیاست گذاران باید انجام دهند

کودکان حق داشتن خانه ای آرام و امن و عاری از خشونت دارند. مسئولیت اصلی در حصول اطمینان از وجود امنیت خانگی برای کودکان و زنان به عهده دولت هاست. آنها می توانند در این راستا قدم ها کلیدی بردارند.

بالا بردن سطح آگاهی نسبت به تاثیر خشونت خانگی بر کودکان

با صحبت و دیدی باز نسبت به این مسأله تغییرات بسیاری می تواند صورت گیرد. پیام اصلی این است که خشونت خانگی به همه آسیب وارد می کند حتی کودکانی که در معرض آن قرار می گیرند و باید جلوی آن گرفته شود. رسوم و سنت هایی که به خشونت خانگی اعتبار می دهند و از اثرات سوء آن بر کودکان چشم پوشی می کنند باید به چالش گرفته شوند.

آموزش و بالا بردن سطح آگاهی مردم راهی برای مبارزه با این مسأله است. یک کمپین اطلاع رسانی و آموزش و پرورش در آمریکا موفق شده است که رفتارها و اعتقادات عمومی را نسبت به خشونت خانگی تغییر دهد. برای رسیدن به نتایج مطلوب، دولت ها نیز باید با این تلاش ها هماهنگ و هم راستا شوند.

تا زمانی که خشونت زیر پرده سکوت مخفی شده است ادامه پیدا می کند.

وجود آوردن قوانین و سیاست های عمومی برای محافظت از کودکان

قوانین و سیاست ها به این موضوع که خشونت خانگی یک جرم است و مرتکبان به آن باید مجازات شوند و قربانیان آن حفاظت، باید قوت بخشند. این سیاست ها باید بر مسأله حفاظت از کودکان متمرکز و اثر خشونت خانگی را بر آنان مورد خطاب قرار دهند. "جرم دانستن خشونت خانگی این پیام را در بر دارد که خشونت یک امر خصوصی و قابل قبول نیست". اجرای قانون های حفاظتی، ضروری است و متجاوزان آن باید پاسخگو باشند. دادگاه ها و بخش های مختلف دولتی باید با سیاست های ویژه ای، امنیت را برای قربانیان خشونت خانگی و فرزندان آنها فراهم سازند که از آن جمله می توان داشتن حق حفاظت و سرکشی را نام برد. تمام ارگان های دولتی باید اهمیت تأثیر منفی و خطر خشونت خانگی را بر روی کودکان برای ارائه خدمات بهتر و به موقع مد نظر قرار دهند.

بهبود خدمات اجتماعی که اثر خشونت خانگی را بر کودکان مورد خطاب قرار می دهد

دولت ها برای حفاظت و حمایت از کودکان قربانی خشونت خانگی باید منابعی تخصیص دهند همانند منابعی که برای حمایت از دیگر قربانیان اختصاص می دهند. حمایت از کودکانی که در معرض خشونت های خانگی هستند در کاهش اثرات زیان بار آنها بسیار حائز اهمیت است. برنامه های خلاقانه بسیاری برای پاسخگویی به نیاز کودکان طراحی شده است که از آن جمله می توان از برنامه های آموزشی نام برد که کسانی را که با کودکان کار می کنند یا به نحوی سرو کار دارند آموزش می دهند که بتوانند اثرات این خشونت ها را روی کودکان در مراحل اولیه شناسایی و حمایت های لازم را به عمل آورند. از طریق این برنامه ها به کارکنان حوزه بهداشت و درمان آموزش داده می شود تا از زنان در مورد خشونت خانگی سؤال و سکوت آنها را بشکنند و آنها را ترغیب کنند که برای رفع مشکل خود کمک گیرند.

ارائه خدمات و حمایت از قربانیان خشونت خانگی می تواند به سود کودکان نیز باشد خصوصاً زمانی که نیازهای خاص کودکان مد نظر است، مانند تأمین خانه هایی امن، کمک های مالی، دسترسی به سیستم های بهداشت و درمان و تأمین خدمات روحی-روانی.

خشونت در زندگی کودک جایی ندارد. ما می توانیم؛ و باید با دیدی باز و فعالیت هایی مشخص آینده ای بهتر، روشن تر و آرام تر برای

کودکان بسازیم.

تعهد بخش خصوصی

داشتن مسئولیت واحد و یکپارچه اجتماعی اولویت اصلی بخش خصوصی است. شرکت های خصوصی به طور روز افزون مسائل و مشکلاتی را که بر مشتریان، کارکنان، محیط و اجتماع آنها اثر می گذارد را شناسایی می کنند. شرکت ها نقش بسیار مهمی در مخاطب قرار دادن اثرات خشونت خانگی بر کودکان ایفا می کنند. یونیسف (UNICEF) و شرکت بین المللی بادی شاپ ((Body Shop International به دیگر شرکت ها این اطمینان را می دهند که برای محافظت و حمایت از کودکانی که در معرض خشونت خانگی هستند باید زمان و منابع صرف شود.

بخش خصوصی می تواند :

- که کودکان را نیز شامل - از نظر مالی برنامه هایی را که به دنبال جلوگیری از خشونت خانگی و ارائه خدمات به قربانیان است کمک کند. - می شود
 - فعالانه با سازمان های غیر دولتی جهت ارتقاء سطح آگاهی عمومی و کمپین های ارتباطی و خیریه مشارکت کند.
 - از طریق آموزش به کارکنان می تواند آگاهی نسبت به خشونت خانگی را افزایش دهد.
- دولت ها را ترغیب کند که خشونت خانگی و اثر آن را بر کودکان جدی بگیرند.

مترجم: مهتاب صمیمی

منبع: <http://www.unicef.org/protection/files/BehindClosedDoors.pdf>
